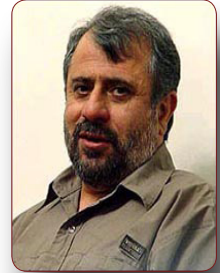


SCO

کانون آرمان شریعتی

SCO1385@Gmail.com

یوسفی اشکوری در گفتگو با سایتِ تغییر



مسن یوسفی اشکوری

شماره مقاله : ۱۰۱۷

تعداد صفحه : ۱۱

آفرین بررسی : ۸۷/۰۹

تاریخ تمریر : ۱۳۸۷

www.shandel.org

موضوع :

یوسفی اشکوری در گفتگو با سایت تغییر برای برابری

همه گرایش‌های دموکراتیک و تحول خواه باید به این لایحه اعتراض کنند.

حسن یوسفی اشکوری، نواندیش دینی و از جمله کارشناسانی با اشراف به مسائل سیاسی و شرعی، انتقاد خود را نسبت به چند همسری و لایحه حمایت از خانواده اعلام کرد. اشکوری در نشست کانون مدافعان حقوق بشر که چندی پیش در تهران برگزار شد، تصویب این لایحه را یک فاجعه خواند و تاکید کرد که تصویب این لایحه دست آوردهای صد سال مبارزه مساوات طلبانه ایرانیان را بر باد خواهد داد.

س: چند همسری و اجازه تعدد زوجات (دائمی و منقطع) با چه توجیهی در صدر اسلام مجاز شمرده شد و واکنش زنان مسلمان یا غیرمسلمانان نسبت به این جواز شرعی چه بود؟

ج: چند همسری در طول تاریخ (حداقل پس از انقلاب کشاورزی و تشکیل خانواده و حاکمیت یافتن مرد) در تمام جوامع مطرح بوده و رواج داشته است. بویژه در ایران و پس از هخامنشی و بیشتر در عصر ساسانی، چند همسری در مردان رایج بوده و تاریخ درباره حرم سراداری اعیان و شاهان و بزرگان و اشراف گواهی می‌دهد.

در میان اعراب شبه جزیره عربستان در سده هفتم میلادی نیز چند همسری رواج کامل داشت. بویژه داشتن معشوقه (همسران غیررسمی) امری عادی بود. اسلام، البته به تدریج به مخالفت با این سنت پرداخت و در نهایت هم روابط آزاد مرد و زن را کاملاً ممنوع اعلام کرد و چند همسری مردان را محدود به چند زن نمود. این محدودیت را مشروط به شروطی کرد که در نهایت در آن مقطع منجر به استحکام بنیان خانواده می‌شد.

با وجود اینکه قانون گذاری نهایی اسلام در حیطه خانواده و زنان در قیاس با گذشته، در مجموع، به سود زنان بود، اما در ارتباط با تعدد زوجات و چند

همسری مردان مخالفت‌هایی را نیز برانگیخت. این قانون گاه مورد اعتراض بعضی از زنان واقع شد. جالب و قابل تامل این است که بیش از همه برخی زنان پیامبر از جمله عایشه و ام سلمه بودند که به چند همسری پیامبر و یا برخی احکام مربوط به زنان اعتراض و انتقاد کرده‌اند.

البته در قرآن و در سخنان پیامبر (حدیث) با متانت به آن اعتراض‌ها یا پرسش‌های انتقادی جواب داده شده است. اما از اعتراض و انتقاد زنان و مردان غیرمسلمان گزارشی در دست نیست. ظاهراً دلیلی هم برای اعتراض نبوده است، چرا که در آن زمان احکام اسلامی برای دیگران الزام آور نبوده و دیگران در عقاید و آداب خود آزاد بوده‌اند.

س: اشاره مختصری به تاریخچه چند همسری در اسلام کردید، با شناختی که از اسلام و شرایط امروز ایران دارید آیا فکر می‌کنید به هر توجیهی این شیوه می‌تواند دردی از جامعه دوا کند؟

ج: اگر واقع بینانه و تاریخی و تحلیلی به چگونگی تشریح احکام شرعی توجه کنیم، در می‌یابیم که این مقررات تابع شرایط زمان و مکان بود و لذا هیچ حکم اجتماعی، یعنی مقرراتی که در چارچوب نظم جامعه و تحقق عدالت قرار می‌گیرند، نمی‌تواند ذاتاً و موضوعاً جاودانه باشد.

در واقع هر قانونی براساس مصالح و مفاسد و اهداف مشخصی مقرر می‌شود و هر زمان و به هر دلیل شرایط تغییر کرد یا مصالح و مفاسد دگرگون شد، حکم نیز تغییر می‌کند. این به حکم عقل و تجربه است و کسی نمی‌تواند آن را انکار کند. قوانین شرعی یا عرفی هر دو محکوم به این حکم عقل است. مقررات مربوط به چند همسری و تعدد زوجات (دائم یا موقت) نیز مشمول این قاعده کلی و عام است.

به نظر من در شرایط کنونی جهان، از جمله شرایط کشورهای اسلامی و جامعه ایران، زبان‌های چند همسری بسیار زیاد است. حال چند مورد استثنایی نمی‌تواند ناقض قاعده باشد. بویژه اگر قبول داشته باشیم که در اسلام اصل بر تک همسری است و نه چند همسری و در واقع چند همسری به صورت استثنا و به دلایل خاص تاریخی و ضرورت‌های اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی بوده، دیگر دلیلی بر استمرار جواز تعدد زوجات در هر شرایط نخواهد بود.

س: با این وجود شاهدیم که مجلس درگیر لایحه‌ای است که سعی دارد اندک موانع قانونی برای چند همسری را هم از میان بردارد. تصویب این لایحه چه تبعاتی را می‌تواند به همراه داشته باشد؟

ج: از سال گذشته که لایحه ارسالی قوه قضائیه به مجلس (و ظاهراً با انگیزه حمایت از خانواده) تهیه شده است، به وسیله افراد مختلف و با گرایش‌های فکری و اجتماعی گوناگون، این لایحه به تفصیل مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. بویژه ماده ۲۳ این لایحه که دولت به آن افزوده و براساس آن اختیار کردن همسر دیگر را منوط به اجازه دادگاه پس از احراز توانایی مالی و تعهد اجرای عدالت بین همسران کرده است. این بند شدیداً مورد انتقاد قرار گرفته است، اما تا کنون به این اعتراض‌ها توجهی نشده است. به هر حال این لایحه اگر به همین صورت تصویب شود، دستان مردان تنوع طلب و هوس ران، اما متمکن، در هوس رانی گشاده‌تر و اختلافات خانوادگی و پریشانی زنان و ناهنجاری در فرزندان بیشتر می‌شود. طبعاً در نهایت شاهد افزایش آمار طلاق، بیش از همین رقم بالای کنونی، خواهیم بود.

س: به نظر شما چرا این عنوان که "این لایحه دستور شرع است" مدافعان لایحه را مجاب می‌کند که اعلام کنند کسی جرأت و حق مخالفت ندارد؟

ج: این که گفته شده است کسی جرأت یا حق مخالفت و یا اعتراض به لایحه مورد بحث را ندارد جای شگفتی است. چرا که اولاً موارد مورد اعتراض و انتقاد در شمار مسلمات شرعی نیست و حداکثر یک رای فقهی، یا یک تفسیر و اجتهاد است. ثانیاً فرضاً که چنین باشد باز زمانی که حکم فقهی و شرعی در چارچوب قانون یا پارلمان و تصویب نمایندگان ملت و در نهایت اجرای حاکمیت مطرح می‌شود، خود به خود در معرض تفسیر و نقد قرار می‌گیرد. اگر جز این باشد و کسی حق نداشته باشد در باره قانونی (شرعی یا غیر شرعی) اظهار نظر یا مخالفت کند، برای چه این پیشنهاد به صورت لایحه یا طرح در می‌آید و برای تصویب به پارلمان فرستاده می‌شود؟ ثالثاً اگر قرار است آقایان دقیقاً مطابق با شرع انور عمل کنند، چرا می‌خواهند حکم شرعی را برای تصویب به نمایندگان عرضه کنند. مگر در صدر اسلام و در قرآن و سنت، پارلمان و نمایندگی و قانونگذاری و رای اقلیت - اکثریت داشتیم؟

در این قانون و در مورد حق اختیار کردن بیش از یک همسر دائم با احراز تمکن مالی و عدالت، حکم دادگاه ضروری دانسته شده است، مگر در فقه سنتی و شریعت اسلام، دادگاه برای چنین مواردی پیش بینی شده است؟ اصلاً ثبت دولتی ازدواج و طلاق از کجای شریعت اسلام درآمده. اینها روند قانونی خود را داشته اند و در این مورد هم چنین است و فرقی ندارد.

حق اعتراض ندادن به مردم و ملت که مشروعیت نظام و پارلمان وابسته به تأیید و رضایت آن است در مواردی که به زندگی و بدبختی و خوشبختی میلیون ها انسان مربوط است، ظالمانه ترین کاری است که می توان کرد.

س: چرا نواندیشان دینی تاکنون و خصوصاً بعد از انقلاب، قانون (تعدد زوجات) را به چالش نکشیدند؟

ج: شاید در میان نواندیشان مسلمان معاصر دکتر شریعتی نخستین کسی باشد که موضوع تعدد زوجات در اسلام را تحلیل تاریخی - فقهی کرد و در صفحه ۵۱۲ در کتاب اسلام شناسی مشهد (تالیف در سال های ۴۴ - ۴۵) صریحاً گفت که این حکم جاودانه اسلام نیست و "وجدان عصر ما از چنین اهانت زشتی به زنان جزیره دار می گردد". اما واقعیت این است که در دوران بعد از انقلاب به دلایلی به مسائل زنان و استیفای حقوق آنان از سوی کسانی که مشهور به نواندیشان مسلمان بودند، توجه و حمایت ویژه ای دیده نشد. حتی فقیهان نیز تا سالیان اخیر فتوای روشنی در مورد حقوق و مطالبات مساوات طلبانه زنان، از جمله تعدد زوجات، اظهار نکرده اند. شاید یکی از دلایل برای نواندیشان مسلمان، الویت های دیگر در مبارزات سیاسی و اجتماعی بوده است. با این همه، از سویی به نظر می رسد اگر کسی از این افراد در نهاد قدرت (مثلاً در پارلمان) جرأت می کرد پیشنهادی مبنی بر حذف قانون چند همسری بدهد، قطعاً راه به جایی نمی برد. بگذریم از اینکه در سال های اخیر هیچ یک از این نواندیشان یا عالمان مترقی در نهادهای تاثیرگذار قدرت نیز حضور نداشتند تا بخواهند کاری کنند. می خواهم تأکید کنم که در تحلیل نهایی باید شرایط اجتماعی و سیاسی اخیر ایران را در نظر گرفت و محدودیت های عملی در ساخت قدرت را در نظر داشت و توقعات از اشخاص یا نهادها را بر آن پایه طرح کرد.

س: به نظر شما چرا دولت نهم که با هزاران چالش اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی مواجه است درست در همین شرایط، چنین لایحه جنجال برانگیزی را روانه مجلس کرد و علی‌رغم همه انتقادات تاکنون حتی یک قدم از موضع خود عدول نکرده است؟

ج: سالهاست که این احساس را دارم که مسئولان جمهوری اسلامی مصالح دنیایی و سیاسی خودشان را هم درست تشخیص نمی‌دهند و دست به اقداماتی می‌زنند که نه تنها سودی برایشان ندارد که به عکس در سطح داخلی و خارجی هم به زیان آنهاست. یکی از این اقدامات نسنجیده، همین لایحه و احیاناً تصویب آن است که قطعاً تصویب و بویژه اجرای آن با امواج تازه‌ای از مخالفت‌های داخلی و بین‌المللی مواجه خواهد شد. در عین حال فکر می‌کنم حاکمیت یک دست و راست‌گرای کنونی با این اقدامات شریعت‌مدارانه می‌خواهد حمایت سنت‌گرایان مذهبی و علما و نهادهای پرنفوذ مذهبی و از این طریق آرای توده‌های مذهبی را در سال آینده ریاست جمهوری برای خود حفظ کند. تجربه هم نشان داده است که عقب‌نشینی ولو در برابر حق طلبانه‌ترین خواست‌های مردم در قاموس دولت نهم جایی ندارد.

س: با توجه به شرایط سیاسی داخل کشور که هر حرکتی در دم سرکوب می‌شود، فکر می‌کنید چه راهی برای اعتراض به این لایحه وجود دارد و آیا اساساً این اعتراضات می‌تواند به نتیجه، یعنی پس گرفتن این لایحه بیانجامد؟

ج: به دلیل انسداد سیاسی و محدودیت نهادهای مدنی رسانه‌ای متأسفانه امکان ارتباط گسترده با مردم و حتی با نخبگان جامعه وجود ندارد. با این همه وظیفه انسانی و ملی و تعهد شهروندی مانع از آن است که سکوت شود. لازم است همه گرایش‌های ملی و دموکراتیک و تحول‌خواه، به لایحه به اصطلاح حمایت از خانواده اعتراض کنند، نقدها را مطرح کنند تا به مرور آگاهی عمومی نیز اضافه شود. حداقل اینکه نمایندگان مجلس با اطلاع دقیق‌تر و چشمی بازتر در مورد این لایحه تصمیم بگیرند. حتی اگر فشارها در این مورد خاص هم نتیجه نداد (که به نظر من نخواهد داد) همین تجربه در مقاومت مدنی و آگاهی عمومی در آینده منشأ تحولات بیشتری خواهد شد. با همه محدودیت‌ها، هنوز راه‌های نقد و اعتراض، از استفاده از ابزارهای رسانه‌ای تا برگزاری سمینارها و گفت‌وگوی مستقیم با مسئولان و خصوصاً با علما و فقهای وابسته به جریان‌های مختلف فکری، باز است.

س: شما به عنوان یک مرد که عقاید مشخص اسلامی نیز دارید، هیچ وقت خواسته‌اید از قدرتی که مذهب در اختیارتان گذاشته استفاده کنید و هم‌زمان چند زن را به عنوان همسر انتخاب کنید؟

ج: از آغاز بلوغ تا کنون حتی یک لحظه در اندیشه چند همسری نبودم. از حدود ۲۰ سالگی که در قم با افکار نوگرایانی چون بازرگان و شریعتی آشنا شدم، به لحاظ نظری و دینی با تعدد زوجات مخالف بودم و آن را بیشتر ناشی از ضعف شخصیت مرد یا حداقل علامت لغزش وی می‌دانستم. در سال‌های پیش از انقلاب، زمانی که دانستم یکی از علمای پیشرو آن زمان دو همسر دارند، با تمامی احترامی که برایشان قائل بوده و هستم، از اعتبار وی نزد من کاسته شد. اینکه چرا من چنین هستم، به دلایل مختلف روانشناختی، فکری، جو خانوادگی و... بازمی‌گردد.

به گمان من یکی از دلایلی که برخی مردان به زن دوم و سوم متمایل می‌شوند، ضعف فکری یا شخصیتی همسر اول یا عدم تناسب با جایگاه اجتماعی زن یا مرد و کاستی‌های دیگر در روابط انسانی و عاطفی میان زوجین است. این اشکالات از هر سویی که باشد، طرف دیگر زن یا مرد را به سمتی جز آن روابط سالم و عادلانه می‌کشاند. بنابراین نباید تمایل مرد به زن یا زنان دیگر را فقط به هوسرانی و ستم مردان نسبت داد. اما به هر تقدیر شخصاً این شانس را داشتم که زندگی زناشویی دور از تمام این لغزش‌ها را داشته باشم.

س: به غیر از نقد شرعی این لایحه آیا می‌توان دلیل سیاسی برای طرح و یا حتی قانون شدن این لایحه یافت؟

ج: بعید می‌دانم که دلیل خاص سیاسی در تدوین و تقدیم و احتمالاً تصویب این لایحه وجود داشته باشد. اما چنانچه گفتم این احتمال قوی وجود دارد که در شرایط حاکمیت ویژه دولت احمدی نژاد برای جلب آرای توده‌های مذهبی و رهبران و نهادهای پُر نفوذ و دارای ثروت و قدرت، آقایان مفید دیده‌اند که بر غلظت مذهبی قوانین بیافزایند.

س: یکی از چالش‌های اصلی دربارهٔ نقد چند همسری بحثِ عدالت است. آیا این لایحه و حتی همان شرطِ عدالت که برای چند همسری قید شده است می‌تواند عملی و توجیه‌کنندهٔ این سنت باشد؟

ج: همانطور که اشاره کردید یکی از موضوعاتِ مهم در تعددِ زوجات همین شرطِ عدالت است. اینکه قرآن به صراحت ازدواج‌های دوم تا چهارم را مشروط به اصلِ عدالت کرده است، بسیار مهم و اساسی است و این تأکید با توجه به شرایطِ عربستانِ سدهٔ هفتم در واقع گامی بلند و حتی می‌توان گفت یک انقلاب به سودِ زنان بود. اما آیا رعایتِ دقیقِ عدالت در این مورد ممکن است؟ اصلاً عدالت چیست؟ آیا عدالت فقط تأمینِ معاش و رفاهِ زنان یا در بهترین حالت رعایتِ نوبتِ شبانهٔ زنان است؟ شاید این نوع عدالت ممکن باشد، اما عدالتِ عاطفیِ انسانی قطعاً ناممکن است. اساسِ تعددِ زوجات توهین به زن و لذا ناقضِ عدالت است. با همهٔ اینها چگونه می‌توان از عدالت یاد کرد. با توجه به این واقعیت که بعضی مفسرانِ مسلمان گفته‌اند اسلام با شرطِ عدالت به شکلی غیر مستقیم با چند همسری مخالفت کرده و زمینه‌های فسخِ تعددِ زوجات را فراهم کرده است، این تفسیر معقول می‌نماید، چرا که در آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ نسا به صراحت قید شده که هرگز نمی‌توانید در موردِ زنانِ تان به عدل و انصاف رفتار کنید. پس عملاً چند همسری تأیید نشده است.

افزون بر آن، اساساً عدالت از نظرِ تعریف و مصادیق "زمانی - مکانی" است و وجدانِ تشخیصِ انسانِ امروز آن را خلافِ عدالت می‌داند. اینها ادعاهای فلسفی و کلامی و انتزاعی نیست و تحقیق و تجربه نشان داده است که آثارِ سوءِ چند همسری به مراتب بیش از همهٔ توجیهاتی است که در این مورد وجود دارد. دقیقاً از همین منظر است که فقهی چون آیت الله صانعی با تکیه بر اصلِ عدالت، چند همسری را حرام می‌شمارد.

س: یکی دیگر از بندهای این لایحه دربارهٔ مالیات بر مهریه است. به این معنی که زنانی که بیش از حد تعیین شده توسط دولت مهریه برای خود تعیین کنند، موظف به پرداختِ مالیات خواهند بود. با توجه به اینکه مدافعانِ طرح در مجلس با اعلامِ شرعی بودنِ لایحه سعی در خاموش کردنِ صدای اعتراض‌ها دارند، آیا شرعاً توجیهی برای این بند می‌توان یافت؟

ج: اخذِ مالیات بر مهریه هم حکایتِ جالبی است. باید از آقایان پرسید اخذِ مالیات بر مهریه به کدام دلیلِ قرآنی و حتی فقهی است. آیا در زمانِ پیامبر

و حتی تا کنون در سنتِ اسلامی مسلمانان چنین چیزی سابقه داشته است؟

مالیات متکی بر درآمد و دارایی بالفعل است. زمانی که هنوز زنی ربالی به عنوانِ مهریه دریافت نکرده و حتی معلوم نیست روزی دریافت کند یا نه و این مهریه حداکثر در حدِ تعهد است، چگونه باید متعهد به پرداختِ مالیات شود؟ جالب است که از یک سو از بالا رفتنِ سنِ ازدواج یا اصلاً ازدواج نکردنِ جوانان گله می‌شود و دولت و یا برخی نهادهای خیریه وامِ ازدواج می‌دهند تا جوانان را تشویق به ازدواج کنند، از سویی دیگر در مراسمِ عقد، عروس را به پرداختِ میلیون‌ها تومان مالیات مجبور می‌کنند.

بالا رفتنِ مهریه دلایلِ جامعه‌شناختیِ خود را دارد و نمی‌شود با مالیاتِ مقابلِ آن ایستاد. من شخصاً با اصلِ مهریه مخالفم، چرا که تاریخ به ما می‌گوید مهریه در گذشته بهایِ مادیِ یک زن بوده که داماد به پدرِ دختر می‌پرداخت. البته اسلام در این مورد یک گام به سودِ زن برداشت و زن را مالکِ مهریه شناخت نه پدر او را. اگر آرمانی به این موضوع نگاه کنیم، تعیینِ بهایِ مالی برای یک رابطهٔ عاشقانه و انسانی در امرِ مقدسِ خانواده، خلافِ شأنِ انسانیِ زن و مرد است. البته این را هم بیافزایم که در شرایطِ فعلیِ جامعهٔ ایران، حذفِ یکبارهٔ مهریه نه ممکن است و نه مفید به حالِ زنان. این زمانی ممکن است که در روندِ تحولات به جایی برسیم که زیست - جهانِ ما عادلانه‌تر شود و مساواتِ طلبی در امورِ خانوادگی به سودِ زنان رقم بخورد و دیگر نیازی به مهریه و چانه‌زنی‌های کاسبکارانه و زشتِ معمول در این باب نباشد.

س: در حالِ حاضر حرکتی با عنوانِ کمپینِ یک میلیون امضا برای تغییرِ قوانینِ تبعیض‌آمیز در جریان است. نظرِ شخصیِ شما دربارهٔ این حرکت چیست و به نظرِ تان چرا این حرکت که کاری جز جمع‌آوریِ امضا و آگاهی‌دادنِ دربارهٔ قوانینِ ندارد، چنین موردِ سرکوبِ حاکمیت قرار می‌گیرد؟

ج: با این حرکت کاملاً موافقم و در سالِ گذشته خود و اعضای خانواده‌ام بیانیهٔ آن را امضا کردیم. گرچه من فعلاً چندان به اصلاحِ قوانینِ تبعیض‌آمیزِ خانواده امیدوار نیستم، اما همگان باید در این مورد بکوشیم و قطعاً در یک روند و سیرِ تاریخی این مطالباتِ مُحقق خواهد شد. چنانچه تاکنون این تلاش‌ها چه در سطحِ جامعه و نهادهای مدنی و چه در سطحِ حاکمیت بی‌اثر نبوده است.

اما اینکه چرا تلاشِ اخیرِ تحتِ عنوانِ کمپینِ یک میلیون امضا چنین با واکنشِ تندِ حاکمیتِ رو به رو شده است، واقعاً جای پرسش و تأمل دارد. اگر مردمِ یک مملکتی نتوانند مطالباتِ حقوقی و انسانی و قانونیِ خود را پیگیری و به مسئولانِ حکومتی اعلام کنند و از نمایندگانِ شان بخواهند در فلان مادهٔ قانونی تجدید نظر کنند، پس دولت و تاسیسِ جمهوری و تفکیکِ قوا و قانون و انتخابات و مجلس و آزادی و عدالت و دموکراسی و... برای چه بود و به چه کاری می‌آید؟

در عینِ حال من فکر می‌کنم دو علت در این مواجهه نامعقول نقش آفرین بوده است. یکی اینکه مقاماتِ امنیتی طبقِ معمول هر حرکتِ عدالت خواهانه و آزادی خواهانه و حقوقِ بشری را مرتبط با خارج و سیاست‌های آمریکا می‌دانند و یا دوست دارند چنین بدانند. دیگر اینکه سنت گرایان و محافظه کاران می‌دانند که اگر روندِ مطالباتِ حقوقِ بشری و دموکراتیک گسترش پیدا کند، در نهایت چاره‌ای ندارند جز اینکه تغییراتِ مهمِ دیگری را در ساختارِ حقوقی و حقیقی نظام بپذیرند. در واقع آقایان می‌ترسند "الف" را بگویند و ناچار شوند تا "ی" پیش بروند. در حالی که مطالباتِ حقوقی ملت و از جمله خواسته‌های قانونی زنان و مردان برای تغییرِ قوانین تبعیض آمیز ربطی به خارج ندارد و حداقل سیاست‌های بیگانه و حتی حمایت‌های حقوقِ بشری خارجی نقشی در طرح این مطالبات ندارد. آقایان باید واقع بین باشند و حداقل به بهانهٔ این سخن و آن سیاستِ خارجی، حقوقِ شهروندانِ خود را نادیده نگیرند. دستِ کم سوالات را بشنوند و در نهایت با چشمِ باز تصمیم بگیرند.

س: نقشِ نواندیشانِ دینی را در این حرکتِ زنان و در کل تغییرِ قانون به سمتِ برابریِ حقوقی چقدر می‌دانید و آیا روشنفکرانِ دینی توانسته‌اند نقشِ خود را در این میان ایفا کنند؟

ج: مسائلی چون آزادی و عدالت و حقوقِ بشر و به طورِ خاص اصلاحِ قوانین و تحققِ برابریِ حقوقی، اساساً انسانی و ملی است و همگان باید در عملی شدنِ آن مشارکت داشته باشند. اما در این میان نواندیشانِ دینی مسئولیتِ بیشتر و نقشِ خطیرتری دارند. در مجموع جامعهٔ ما مذهبی است و باورها و سنت‌های مذهبی از سه هزار سالِ پیش تاکنون در شئونِ زندگی ما چیرگی داشته و دارد. بخشِ عمدهٔ مشکلاتِ ما در تمامِ عرصه‌ها، از جمله و بیشتر در

امور زنان، برآمده از برخی تفاسیر مذهبی است که ابتدا در طول قرن‌ها شکل گرفته و اکنون در تمام امور نقشِ مُخَرَّبِ خود را نشان می‌دهد. اگر این گزاره درست باشد، لاجرم باید قبول کنیم هر نوع تحولِ اساسی در تمام حوزه‌ها، از بستر تحول و اصلاحِ فکر و آداب و سننِ دینی می‌گذرد و بدیهی است که این رفرم و اصلاح جز به وسیلهٔ متفکران و عالمانِ مسلمان ممکن نیست. اما دریغ که به دلایلی از اکثریتِ عالمان و فقیهان انتظار تحول و تحول‌آفرینی جدی در تفکرِ دینی نمی‌رود.

در این میان مانده است جریانِ نواندیشانِ مسلمان و معدودِ عالمانِ حوزه‌ها که می‌توانند به پروژهٔ بازسازی و اصلاحِ دین کمک و اهتمام کنند و در نهایت راهِ تحولاتِ حقوقی را بگشایند. اما این هر دو گروه، مخصوصاً نواندیشان به کلی در انزوا هستند و حتی از ارتباطِ رسانه‌ای موثر نیز محروم‌اند. با این همه مطالعهٔ تاریخ به ما می‌گوید از ماقبلِ مشروطه تا کنون، در چارچوبِ اصلاحِ دینی و اجتماعی هر تحولِ مثبتی رخ داده است، معلول و محصولِ کوشش‌های فکری و فرهنگی و مبارزاتِ سیاسی و حقوقیِ نوگرایانِ مسلمان (اعم از روحانی و دانشگاهی) بوده است و اکنون این گروه، بیش از گذشته مسئول‌اند و باید در این راه بکوشند.

اما باید گفت که نواندیشانِ دینی نتوانسته‌اند نقشِ مهمی در تغییرات و تحولاتِ عملیِ بویژه حقوقی ایفا کنند. دلایلِ مختلفی در این ناتوانی نقش داشته‌اند، از جمله می‌توان به محدودیت‌ها و عدم ارتباطِ جدی با مردم اشاره کرد، باید افزود که هنوز بسیاری از موضوعاتِ مهم در حوزهٔ سنت و تجدد و اسلام و غرب و به طورِ خاص در موضوعاتِ مربوط به زن در میانِ شماری از نواندیشانِ مسلمان نیز محلِ بحث و گفت‌وگو است و می‌توان گفت برخی در این زمینه‌ها از چارچوبِ تفکرِ سنتی و حتی فقهیِ رایج عبور نکرده‌اند. بی‌توجهی یا الویت‌های دیگر نیز موجب شده است که به مساواتِ حقوقی و به طورِ کلی مسائلِ زنانِ جامعهٔ ایرانی کمتر توجه شود.